

# کاپیتولاسیون در روابط ایران، عثمانی و ترکیه

علی اکبر صفی پور\*

Ali\_sh\_akbar@yahoo.com



## چکیده

ایران و عثمانی و سپس جمهوری ترکیه، در سده‌های گذشته، مناسبات پر فراز و فرودی پشت سر گذاشته‌اند. از جمله مسائل مطرح در این زمینه، موضوع کاپیتولاسیون می‌باشد که بر دوره‌ای از روابط دو کشور سایه انداخته است. اینکه کاپیتولاسیون چگونه، در چه زمانی و در چه سطحی میان دو کشور برقرار شد، چگونه پا گرفت و فرایند پایانی آن به چه صورتی بود؟ موضوع نوشتار حاضر است که تلاش گردید بر پایه‌ی اسناد به جا مانده بویژه اسناد وزارت امور خارجه ایران و نیز قراردادهای منعقد، ابعاد گوناگون آن بررسی و روشن گردد.

\* \* \*

به لحاظ گستره جغرافیائی، امپراتوری عثمانی در قرون گذشته و ترکیه در سده اخیر، همسایه غربی و شمال غربی ایران بوده‌اند و تاریخ دو کشور، متأثر از چگونگی رابطه میان آنها بوده است. سید حسن تقی‌زاده، رابطه ایران و عثمانی و سپس ایران و ترکیه را، به چهار دوره تقسیم کرده است که عبارتند از:

۱- از اواخر سلطنت آق‌قویونلوها تا پایان حکومت نادر شاه؛

۲- از پایان حکومت نادرشاه تا جنبش مشروطه؛

۳- از جنبش مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول؛

۴- از استقرار حکومت پهلوی در ایران و

جمهوری ترکیه به رهبری آتاترک.<sup>۱</sup>

به‌رحال ایران و عثمانی - که بعدها به

نیرومندترین دولتهای شیعه و سنی در جهان اسلام

تبدیل شدند- از زمان امیر تیمور گورکانی (مرگ

۸۰۷ق. / ۱۴۰۵م. / ۷۸۴ش.) با یکدیگر ارتباط یافتند.<sup>۲</sup>

پس از مرگ تیمور که قرا یوسف ترکمان (مرگ

۸۲۳ق. / ۱۴۲۰م. / ۷۹۹ش.) به تصرفات خود در

آذربایجان بازگشت و نیز تشکیل دولت آق‌قویونلو

(۸۷۲-۹۲۰ق. / ۱۴۶۸-۱۵۱۴م.) - که میان دولت

گورکانی و عثمانی جدائی افکند- ترس از قدرت یافتن

ترکمنها، باعث شکل‌گیری روابط حسنه‌ای میان دو

دولت گردید.<sup>۳</sup> با تشکیل دولت صفوی در ایران و

رسمیت یافتن مذهب شیعه (۹۰۷ق. / ۱۵۰۲م. / ۸۸۱ش.)،

منازعه سیاسی میان دو کشور از رقابت سیاسی و توسعه

ارضی به خصومت مذهبی کشیده‌شد و جنگهای

پردامنه، مدتهای مدیدی بر روابط آنها سایه افکند و

امضای عهدنامه‌های مختلف، توانست آن‌طور که باید

در به‌کرد آن کمک نماید. حتی اقدام نادرشاه‌افشار

برای حل اختلافات دیرینه دو کشور مؤثر نیفتاد.<sup>۴</sup> در

دوره زندیه، حکومت عثمانی نقاطی را که در دولت

نادر شاه از دست داده بود، بازپس گرفت و ایران نیز

مدتی بصره را به تصرف خود درآورد. با ورود به

دوران قاجاریه، از حساسیتهای مذهبی کاسته شد و

اختلافات سرحدی فزونی یافت<sup>۵</sup> درکنار آن عامل

دیگری نیز در تشدید اختلافات وارد صحنه شد و آن،

حضور روس و انگلیس در ایران بود و اقداماتی که از

سوی آنها در این زمینه به وقوع می‌پیوست، در کیفیت

روابط مؤثر بود و پیدایش شکل خاصی از

کاپیتولاسیون در روابط دو کشور، شاید بیش‌تر تحت

تأثیر این عامل بوده‌است. علاوه بر آن، حج و عتبات،

آمدوشد بازرگانان و عشایر مرز نشین از مسائلی بود

که می‌توانست روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار

دهد.<sup>۶</sup> در دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق. /

۱۸۴۸-۱۸۹۶م. / ۱۲۲۷-۱۲۷۵ش.)، شماری از

روشنفکران و علمای دو کشور به فکر اتحاد اسلام و

مسلمانان افتادند. سلطان عبدالحمید دوم (۱۲۹۳-۱۳۲۷

ق. / ۱۸۷۶-۱۹۰۹م. / ۱۲۵۴-۱۲۸۷ش.) و ناصرالدین

شاه، مدعی پیشوای این اتحاد گردیدند.<sup>۷</sup> اما جنبش

اسلامگرایی (پان‌اسلامیسم) در عمل نتیجه بخش نبود.

از دیگر سو آشنائی زودتر عثمانی و کمی دیرتر

ایران با غرب، آن هم از راه برخورد های نظامی، طعم

تلخ توسعه‌طلبی غریبه‌ها و قدرت نظامی آنها را به این دو

چشاند؛ به طوری که تبلور آن را در پذیرش

قراردادهائی با مضامین ناخوشایند می‌توان دید. به

موازات آن، در ایران پس از جنگهای ایران و روس،

اندیشه تجدد و اخذ تمدن غربی، رشد یافت و در

عثمانی، این حرکت از زمان سلطان سلیم سوم شروع

شد که در سال ۱۷۸۹م. / ۱۲۰۳ق. / ۱۱۶۸ش. و هم‌زمان

با انقلاب کبیر فرانسه به سلطنت رسید. اما حرکت

جدی در این زمینه به عصر «تنظیمات» بر می‌گردد که

از سال ۱۸۳۹م. / ۱۲۵۵ق. / ۱۲۱۸ش. آغاز شد.<sup>۸</sup> در این

سال سلطان عبدالمجید اول، فرمان گلخانه را صادر کرد که در نوع خود مترقی بود و زمینه قانون اساسی مشروطه سال ۱۸۷۶ م. / ۱۲۹۳ ق. را فراهم آورد.<sup>۱</sup> در ایران نیز حرکت کوتاهی در زمان ولیعهدی عباس میرزا آغاز شد و تعدادی دانشجوی ایرانی، در رشته‌های مختلف، برای تحصیل به اروپا اعزام شدند. اما اصلاحات واقعی با رنگ‌وبوی ایرانی، در زمان صدارت امیرکبیر شروع شد که می‌تواند با انقلاب میجی ژاپن مقایسه شود. ولی عزل و قتل امیرکبیر به این اصلاحات پایان داد.<sup>۲</sup> با این وجود، پیرامون اجتماعی در هر دو جامعه ترک و ایران، در حال دگرگونی بود. ورود اندیشه‌های جدید به ایران از طریق دانشجویانی که به اروپا رفته بودند، رو به گسترش بود و «دیدگاه‌های جدید با تحولات اجتماعی و اقتصادی نیمه دوم قرن نوزدهم که در آن دو گروه از بورژوازی ایران، یعنی بورژوازی سنتی و بورژوازی وابسته در تقابل با یکدیگر قرار می‌گرفتند، همراه شد و در کنار عوامل دیگر، زمینه‌های جنبش را فراهم ساخت.»<sup>۳</sup> در عثمانی نیز وقتی ساختارهای کهن از تحول بازماند و حتی قادر به حفظ اقتدار خود در برابر تقاضاهای فزاینده ایالات زیر چتر امپراتوری نشد، مانند ایران کارگرایی تحول و اصلاحات به خارج از نظام حکومتی منتقل و زمینه انقلاب ترکان جوان با سه سال فاصله از جنبش مشروطه ایران، فراهم شد.<sup>۴</sup>

در همین دوران، ارتباط میان روشنفکران ایرانی و عثمانی افزایش یافت و نظر به شرایطی که در اسلامبول فراهم شده بود، این شهر به پناهگاه جمع کثیری از ایرانیان تجارت پیشه، کارگر و روشنفکران فراری و رانده شده از میهن، تبدیل شد و پایگاه مهمی برای شکل‌گیری کانونهای فرهنگی سیاسی اپوزیسیون برون‌مرزی گردید. روزنامه/ختر<sup>۵</sup> نیز به عنوان یکی از

روزنامه‌های آگاهی بخش در آستانه جنبش مشروطه ایران، در آنجا منتشر می‌شد. حتی پس از جنبش مشروطه و به توپ بسته شدن مجلس، همان طور که تقی زاده نوشته است: «ترکها تا حدی کمک معنوی کردند و استانبول، مرکزی برای مشروطه خواهان ایران شد و انجمن سعادت ایرانیان - که با کمک بعضی از آزادی‌طلبان فراری مانند معاضدالسلطنه پیرنیا، دهخدا، دولت آبادی و غیرهم [شکل یافته بود] - مساعی زیادی برای کمک به انقلاب ایران کردند.»<sup>۶</sup>

علاوه بر آنچه درباره روابط ایران و عثمانی در دوره قاجاریه گفته شد، با شروع جنگ جهانی اول، رابطه دو کشور وارد عرصه جدیدی گردید. گرچه ایران رسماً اعلام بیطرفی کرد، با وجود این، قوای متخاصم وارد ایران شدند و عوامل متحدین، ایرانیان را به اتحاد با خود دعوت کردند و خواهان جنگ با روس و انگلیس شدند و این وضع تا پایان جنگ ادامه یافت. همچنین هیئت دولت ایران در ۳۰ شوال ۱۳۳۶ ق. برابر با ۸ اوت ۱۹۱۸ م. / ۱۶ مرداد ۱۲۹۷ ش.، الغای کاپیتولاسیون را به دربار عثمانی اعلام و خواهان رفتار آن دولت با ایران، همانند دول کامله‌الوداد گردید<sup>۷</sup> که تفصیل آن در پی خواهد آمد.

در جمع بندی کلی، شاخصهای مؤثر و حاکم بر روابط ایران و عثمانی و سپس ترکیه را در ابتدای تأسیس، می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد.

۱- به علت همسایگی دو کشور در طی قرنهای متمادی، روابط آنها با منازعه سیاسی آغاز و حتی به تلاش برای نفی یکدیگر و تحت حاکمیت در آوردن طرف مقابل، منجر و در دوره‌ای با تشکیل حکومت شیعی در ایران، به منازعه و درگیری مذهبی کشیده شد و رقابت دو کشور را در سایر امور تحت الشعاع قرار داد.

۲- با ورود قدرتهای اروپائی به منطقه از جمله روسیه، انگلستان و فرانسه ورقابت آنها در به دست آوردن منافع و حفاظت از آن و نیز به خطر انداختن منافع طرف مقابل، روابط ایران و عثمانی از این حضور و رقابت تأثیر پذیرفته و در مقاطعی به افزایش مشاجره و حتی جنگ و یا مصالحه با وساطت قدرتهای ثالث، انجامیده است.

۳- قرار داشتن اماکن زیارتی شیعه و نیز مکه و مدینه در محدوده عثمانی، و علاقه و اشتیاق ایرانیان به زیارت اماکن متبرکه و احياناً انتقال اجساد مردگان خود به این مناطق، همواره در مذاکرات و عقد عهدنامه‌ها مورد توجه بوده و در بعضی موارد، این مسئله به درگیری میان دو کشور و تلاش ایرانیان برای کنترل این مکانها منجر شده است.

۴- مسائل سرحدی و اختلافات مرزی و ادعاهائی که هریک از طرفین برای حاکمیت بر مناطقی از طرف مقابل داشته اند، حتی با وجود عقد پیمانهای مختلف، ادامه این اختلافات به دوره های بعد و روابط ایران و ترکیه منتقل گردیده و یکی از محورهای اصلی در شکل گیری و امتداد این رابطه بوده است.

۵- ایلات و عشایر و جابجائی آنها در مناطق مرزی و حوادث و اقدامات ناشی از این جابجائی‌ها و ادعاهائی که هر دو کشور در مورد تابعیت برخی ایلات و طوایف داشته‌اند و نیز استفاده از آنها به عنوان اهرم فشار و گرفتن امتیاز از طرف مقابل، یکی دیگر از محورهای ارتباط و درگیری بوده است.

۶- تجارت و فعالیت بازرگانان در صادرات و واردات کالا و ترابری آن در میان دو کشور، از دیگر مسائل مهم و تأثیرگذار بوده است.

۷- برقراری ارتباط با غرب از طریق اعزام دانشجویان، تجار، سفرا و جهانگردان از دیگر مسائلی

بود که در ایران و عثمانی دنبال شده و موجب ورود افکار و اندیشه های جدید در هر دو کشور و رشد تفکر انجام اصلاحات بوده است. لذا کشور عثمانی، یکی از گذرگاههای بود که اولاً از طریق آن ایرانیان به اروپا رفتند و ثانیاً با حضور خود در اسلامبول و تشکیل کانونهای فرهنگی - فکری و انتشار روزنامه به اندیشه اصلاحات در ایران، پروبال دادند و کمک فکری رساندند که این حضور، ضمن تاثیرگذاری بر رشد فکری در هر دو کشور، در کیفیت روابط آن دو نیز، مؤثر بوده است.

۸- رشد و گسترش اندیشه اسلامگرایی و اتحاد مسلمانان، چه در آن موقع که توسط سید جمال الدین اسد آبادی و دیگران مطرح گردید و چه در زمان جنگ جهانی اول و تلاش عثمانی برای استفاده از مسلمانان در جنگ به نفع خود، از دیگر مسائلی است که در آستانه سده بیستم و در دهه اول آن، بر روابط دو کشور و ملت و رفتارهای سیاسی آنها، تأثیر داشته است.

۹- از نکات دیگر که در اوایل قرن بیستم و سالهای جنگ جهانی اول و پس از آن، از طریق ملی گرایان ترک و بویژه ترکان جوان در خصوص پان ترکیسم و پان تورانیسم مطرح و در صدد اتحاد قومی ترکان برآمدند، موجبات نگرانی در ایران و روسیه گردید و خواه ناخواه در روابط دو کشور کارگر افتاد.

۱۰- در کنار روابط رسمی، ارتباط میان دو ملت نیز از قرنهای پیش برقرار و تبادل فرهنگی و مسافرت و حضور دانشمندان، ادیبان و فرزاتگان، بویژه پارسی گویان در آناتولی، یکی از مبانی تحکیم و گسترش روابط بوده است.

از جمله اصولی که در دوره ای از تاریخ روابط دو کشور، در تنظیم کیفیت برخی رفتارها و عملکردها، بویژه در بخش حقوقی و اتباع دو کشور حاکم بوده

است، اصل کاپیتولاسیون و نیز اصل دول کامله‌الوداد می باشد که تلاش می شود تا ضمن ارائه دوره زمانی، به چگونگی ایجاد و الغای آن در روابط فیما بین پرداخته شود.

مفهوم عام حقوقی «کاپیتولاسیون»،<sup>۱۶</sup> عبارت است از پیمانهایی که حقوق قضاوت کنسولی و حقوق برون مرزی را به کشور دیگری در قلمرو حاکمیت ملی میزبان، اعطا می کند.<sup>۱۷</sup> این پیمانها، حاوی نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمینات و امتیازات و مصونیت‌های قضائی است که به موجب تصمیمات یک‌جانبه یا عهود یا اسناد قضائی دیگر، به اتباع دولتهای مسیحی در سرزمینهای غیر مسیحی داده می شد. در کشورها و سرزمینهای مزبور به طور کلی، اتباع بیگانه حتی گاهی بدون رعایت اصل عمل متقابل از حدود صلاحیت مقامات قضائی محلی خارج بوده و تابع صلاحیت مقامات و بویژه مأموران کنسولی و سیاسی دولت متبوعه خود محسوب می شدند و دعاوی و شکایات و محاکمات مربوط به امور جزائی آنان را کنسول یا نماینده دولت متبوعه، حل و فصل می کرد. معاهدات یا فرمانهای موسوم به کاپیتولاسیون، نوعی تضمین رسمی، جهت ایجاد و ادامه این حق و امتیاز به شمار می رفت.<sup>۱۸</sup> این اقتدارات برون مرزی، بر اساس قرارداد خاص یا استفاده از شرط «دول کامله‌الوداد»<sup>۱۹</sup> به دست می آمد و بر طبق آن، اتباع بیگانه از شمول قوانین جزائی و مدنی در قلمرو کشور میزبان مستثنا می شدند و رسیدگی به دعاوی حقوقی و جرایم آنها، در دادگاههای مخصوص و یا محاکم مختلط و یا با حضور کنسول انجام می گرفت.<sup>۲۰</sup> در عرف و رسوم بین‌المللی، کنسولها سه نوع صلاحیت خاص داشتند که عبارت بود از:

۱- صلاحیت وضع مقررات نسبت به اتباع خود؛

۲- صلاحیت انتظامی نسبت به اتباع خود؛

۳- صلاحیت قضاوت در اختلاف بین اتباع، یا بین

اتباع و مردم محلی.<sup>۲۱</sup>

صلاحیت سوم - که قضاوت بود - بر این اساس استوار است که قضاوت محلی نمی توانست مورد اعتماد و قبول باشد. صلاحیت قضاوت کنسولی بسیار متنوع و در کشورهای مختلف، متفاوت بود و در طول زمان نیز، هریک از انواع آن تحولات زیادی پیدا کرد. حق قضاوت کنسولی، در حقیقت مهم‌ترین جنبه کاپیتولاسیون بود.

کاپیتولاسیون، بدون توجه به معنی لغوی آن، در اصطلاح تاریخ حقوق اروپائی، به اسناد یک‌جانبه یا عهدی گفته می شد که به موجب آن، حکومت عثمانی، وضع حقوقی بیگانگان مقیم این امپراتوری را تعیین می کرد و امتیازات و معافیهائی به دولتهای اروپائی در مورد اتباع آنها می داد.<sup>۲۲</sup> در اواخر قرن پانزدهم میلادی، روابط تجاری بین اروپا و آسیا رو به گسترش نهاد و در نتیجه آن، بازرگانان اروپائی رو به مشرق زمین آوردند و ارتباط آنها با اهالی، یک رشته مسائل حقوقی پدید آورد. در سال ۱۵۳۵م. / ۹۴۲ق. / ۹۱۵ش. سلطان سلیمان قانونی، با «فرانسوای اول»، پادشاه فرانسه، عهدنامه بازرگانی منعقد ساخت که به موجب آن، مقرر گردید اتباع فرانسه در خاک عثمانی تابع احکام کنسول کشور خویش باشند. این معاهده را، بعداً سلاطین دیگر عثمانی تکمیل کردند و معاهده ۱۷۴۰م. میان سلطان محمد اول و لوئی پانزدهم، از شاخص‌ترین آنهاست. درباره علل اعطای این گونه امتیازات، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند به علت اینکه میان تمدن مسیحی و اسلامی فاصله زیادی وجود داشت و از طرفی، روابط بازرگانی ایجاب می کرد که افراد این کشورها با یکدیگر ارتباط داشته

باشند، بناچار طرفین در صدد یافتن وسیله‌ای بودند تا این ارتباطات را تحت نظم در آورند. این وسیله، همان کاپیتولاسیون بود. گروهی دیگر معتقدند که این امتیاز، به علت ضعف دولت عثمانی نبود؛ زیرا در آن تاریخ، عثمانی در اوج قدرت قرار داشت.<sup>۲۳</sup> بنابراین، برخی از مورخان، اساس آن را مدارای اسلامی در مقابل بیگانگان دانسته‌اند و چون قبلاً امتیازی به این شکل وجود نداشت، آن را «امتیاز اول» نام نهادند.<sup>۲۴</sup> البته بعدها که دولت عثمانی در آستانه زوال و ناتوانی قرار گرفت، همین امتیاز، عامل مداخله بیگانگان و تسریع در تجزیه امپراتوری گردید.

پیمان‌هایی که امتیاز کاپیتولاسیون را از طرف دولت عثمانی به بیگانگان می‌داد، تاثیری در قلمرو ایران نداشت. زیرا ایران از حیث مذهب و ملیت، کاملاً از دولت عثمانی جدا بود و می‌توان گفت که تا سال ۱۸۲۸م./۱۲۴۳ق./۱۲۰۶ ش. ایران عملاً هیچ معاهده‌ای در زمینه کاپیتولاسیون منعقد نکرد؛ گرچه نشانه‌هایی از آن می‌توان در گذشته تاریخ ایران و فرامین شاهان و یا مفادی از عهدنامه‌ها جستجو کرد. در میان بیگانگانی که از قرن هفدهم بتدریج به ایران آمدند همانند انگلیسیها، فرانسویان و هلندیها مدارکی موجود است که نشان می‌دهد آنها توانسته‌اند از پادشاهان ایران فرامینی بگیرند که برخی از امتیازات کاپیتولاسیون را دربردارد؛ از جمله برادران شرلی - که در سال ۱۶۰۰م./۱۰۰۹ق./۹۷۹ ش. به ایران آمدند - از شاه عباس اول صفوی، فرمانی دریافت کردند که براساس آن، اتباع انگلستان و سایر مسیحیان می‌توانستند آزادانه به کشور ایران آمد و شد کنند و توقف داشته باشند و افزون بر آن، از حیث جان و مال و مذهب در امان باشند...<sup>۲۵</sup> به دنبال انگلیسیها، فرانسویان نیز تلاش کردند امتیازاتی از پادشاهان ایران دریافت دارند که مهم‌ترین

آن، پیمانی است که در سالهای ۱۷۰۸م./۱۱۲۰ق./ ۱۰۸۷ش.، ۱۷۱۵م./۱۱۲۷ق./ ۱۰۹۴ ش. و ۱۷۲۳م./ ۱۱۳۵ق./ ۱۱۰۲ ش. در زمان شاه سلطان حسین صفوی تنظیم گردیده است.<sup>۲۶</sup> گرچه این معاهده، تمام موادی را که فرانسویها در معاهده کاپیتولاسیون با عثمانیها گنجانده بودند دارا می‌باشد، اما به دلیل اینکه هیچگاه مورد استناد قرار نگرفت، به عنوان منشأ کاپیتولاسیون در ایران محسوب نمی‌گردد بلکه منشأ رسمی کاپیتولاسیون در ایران، عهدنامه ترکمنچای با روسیه در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸م./ ۵ شعبان ۱۲۴۳ ق./ ۲ اسفند ۱۲۰۶ ش. شمرده می‌شود.<sup>۲۷</sup> چرا که مفاد این عهدنامه، بویژه درباره کاپیتولاسیون و شرط دول کامله الوداد، در سالهای بعد، مورد استناد سایر دولتها قرار گرفته و مشابه آن، از دولت ایران در پیمانهای مختلف اخذ گردید. اما برخی دولتها موفق شدند معاهداتی با ایران منعقد و آشکارا از کاپیتولاسیون و مزایای آن استفاده کنند و برخی دیگر، در معاهدات، به ذکر شرط کامله الوداد بسنده کردند و بعدها به استناد چنین شرطی، از مزایای کاپیتولاسیون بهره‌مند شدند. بنا براین، معاهدات پس از سال ۱۸۲۸م./۱۲۴۳ق. را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد:

الف- معاهداتی که دولت ایران با سایر دول منعقد و بدان وسیله، صراحتاً نظام کاپیتولاسیون را در ایران برقرار کرد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱- معاهده دوستی و تجاری ایران و اسپانیا در استانبول، به تاریخ ۴ مارس ۱۸۴۲م./ ۲۱ محرم ۱۲۵۸ق./ ۱۳ اسفند ۱۲۲۰ ش.

۲- معاهده دوستی و تجاری ایران و فرانسه در تهران، به تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۸۵۵م./ ۲۶ شوال ۱۲۷۱ق./ ۲۱ تیر ۱۲۳۴ ش.

۳- معاهده دوستی و تجاری ایران و امریکا در

استانبول، در ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶م. / ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۷۳ق. / ۲۲ آذر ۱۲۳۵ ش.

۴- معاهده دوستی و تجاری ایران و اتریش و هنگری در پاریس، در ۱۷ دسامبر ۱۸۵۷م. / ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۴ق. / ۲۶ آذر ۱۲۳۶ ش.

۵- معاهده تجاری بین ایران و بلژیک در بروکسل، در ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۸م. / ۱۹ ذی‌الحجه ۱۲۷۴ق. / ۹ مرداد ۱۲۳۷ ش.

۶- معاهده دوستی و تجاری و بحر پیمایی ایران و یونان در استانبول، در ۲۸ اکتبر ۱۸۶۱م. / ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ق. / ۶ آبان ۱۲۴۰ ش.

۷- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و ایتالیا در تهران، به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۸۶۲م. / ۲۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۹ق. / ۲ مهر ۱۲۴۱ ش.

ب- معاهداتی که در آن، طرفین به استناد شرط دول کامله‌الوداد از کاپیتولاسیون استفاده کردند که عبارت است از:

۱- معاهده صلح بین ایران و انگلستان، منعقد در پاریس، به تاریخ ۱۴ مارس ۱۸۴۷م. / ۲۶ ربیع‌الاول ۱۲۶۳ق. / ۲۳ اسفند ۱۲۲۵ ش.

۲- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و هلند و اسکانديناوی در پاریس، به تاریخ ۳ ژوئیه ۱۸۵۷م. / ۱۱ ذیقعدة ۱۲۷۳ق. / ۱۲ تیر ۱۲۳۶ ش.

۳- معاهده دوستی بین ایران و دانمارک در پاریس، به تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۸۵۷م. / ۲۵ ربیع‌الاول ۱۲۷۴ق. / ۲۲ آبان ۱۲۳۶ ش.

۴- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و سوئد و نروژ در پاریس، به تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۸۵۷م. / ۲۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۴ق. / ۲۶ آبان ۱۲۳۶ ش.

۵- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و سوئیس در ژنو، به تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۸م. / ۲۳ رجب ۱۲۹۵ق. / ۱

مرداد ۱۲۵۷ ش.

۶- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و آرژانتین در بلژیک، به تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۲م. / ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ق. / ۴ مرداد ۱۲۸۱ ش.

۷- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و مکزیک در واشنگتن، به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۰۳م. / ۱۶ صفر ۱۳۲۱ق. / ۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۲ ش.

۸- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و شیلی در واشنگتن، در ۳۰ مارس ۱۹۰۲م. / ۲۰ ذیحجه ۱۳۱۹ق. / ۹ فروردین ۱۲۸۱ ش.

۹- معاهده دوستی و تجاری بین ایران و برزیل در ریودوژانیرو، در ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸م. / ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق. / ۲۶ خرداد ۱۲۸۷ ش.<sup>۲۸</sup>

در این میان، در زمینه چگونگی بنیاد کاپیتولاسیون در روابط ایران و عثمانی، باید توجه داشت که هر دوی آنها، کشوری اسلامی بودند و طبیعتاً علل تاریخی و مذهبی که اساس پیدایش نظام قضاوت کنسولی بوده است، در روابط دو کشور نمی‌توانست مصداق داشته باشد. با این وجود، نگاهی به عهدنامه‌های منعقد شده دو کشور در دوره قاجار، نشان می‌دهد که ظاهراً هر دو کشور برای تحکیم رابطه دوستی و جلوگیری از اختلافات ناشی از اقامت اتباع ایران و عثمانی در خاک طرفین، بتدریج امتیازاتی به طرف مقابل می‌داده‌اند که با عنایت به ارتباط و حضور بیش‌تر ایرانیان در عثمانی، روی هم رفته این قرارها، به نفع اتباع ایرانی بوده است. همچنین باید گفت که تا زمان انعقاد عهدنامه ترکمنچای میان ایران و روسیه، با آنکه این موضوع در عثمانی، به صورت امتیازاتی به اروپائیان داده شده بود، علی‌الاصول در ایران جنبه تعهد متقابل داشت.

آغاز «عمل متقابل» درباره مسائل مربوط به اتباع ایران و عثمانی در خاک طرفین، به عهدنامه اول

ارزنة الروم (۲۸ ژوئیه ۱۸۲۳ م. / ۱۹ ذی قعدة ۱۲۳۸ ق. / ۵ مرداد ۱۲۰۲ ش.) برمی گردد. به موجب ماده دوم پیش نویس عهدنامه مذکور، «با کسانی که از اهالی ایران به کعبه مکرمه و به مدینه منوره و به سایر بلاد اسلامیة آمد و شد می نمایند، مثال حجاج و زوار و مترددین اهالی بلاد اسلامیة رومیة معامله نمایند... در طرف دولت ایران نیز، با تجار طرف عثمانی و اهالی دولتین علیتین - که به ممالک جانبین آمد و شد دارند - به مقتضای جهت اسلامیة، معامله دوستانه شده، از ایذا و اضرار محفوظ باشند.»<sup>۲۹</sup> اما در قرارداد اصلی که میان دو کشور در همین سال نهائی شد، در ماده هشتم آن طرفین پذیرفتند که... «من بعد به حکم اتحاد دو دولت علیه و به جهت نظم جامعه اسلامیة، اولیای حضرتین با اهالی مملکتین اعم از تاجر و زائر و مساکن و وسایر، به یکسان معامله و سلوک نموده، در بلاد و منازل و طرق و شوارع، از هر نوع ایذا و اضرار و از هر گونه امور ناصواب محفوظ و مصون و مرفه و مأمون باشند.»<sup>۳۰</sup>

این وضعیت تا عهد نامه دوم ارزنة الروم (۱۸ جمادی الثانی ۱۲۶۳ ق. / ۳ ژوئن ۱۸۴۷ م. / ۱۳ خرداد ۱۲۲۶ ش.) ادامه یافت. عهد نامه جدید، ضمن تأیید مجدد مفاد عهد نامه قبلی درباره اتباع دو کشور، و در ماده هفتم مقرر کرد که: «... علاوه بر این، بالیوزهای<sup>۳۱</sup> که از طرف ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه به جمیع محللای ممالک عثمانیه - که لازم باشد - نصب و تعیین شود، به غیر از مکه مکرمه و مدینه منوره، دولت عثمانیه قبول می نماید و وعده می کند که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد و در حق قونسولهای سایر دول متحابه جاری می شود، در حق آنها نیز جاری شود؛ و نیز دولت ایران تعهد می کند که بالیوزهایی که

از طرف دولت عثمانیه به جمیع محللای ممالک ایرانیه - که لازم باشد و بیايد - نصب و تعیین شود، در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد می کنند، معامله متقابل را کاملاً اجرا دارند.»<sup>۳۲</sup>

چنانکه ملاحظه می گردد، اولین بار بود که برخورداری مأموران سیاسی دو کشور از امتیازاتی که به کنسولهای سایر کشورها در ایران و عثمانی داده می شد، در این قرارداد با عنوان «معامله متقابل»، پذیرفته شد. به دنبال آن، به کارگیری کلمه شرایط دول کامله الوداد و اعطای برخی امتیازات مربوط به کاپیتولاسیون میان ایران و عثمانی، اولین بار در عهد نامه مودت - که در ۲ ذیحجه ۱۲۹۰ ق. / ۲۱ ژانویه ۱۸۷۴ م. / ۱ بهمن ۱۲۵۲ ش. منعقد شد - دیده می شود. این عهد نامه، دو سال بعد تکمیل گردید که بر اساس آن، برقراری شرایط دول کامله الوداد در میان دو کشور به صورت یکسان بوده و برخلاف برخی امتیازات که به سایر کشورها اعطا شده بود، در این قرارداد برای اتباع دو کشور به صورت مساوی داده شد (ماده دهم عهدنامه)<sup>۳۳</sup> که از جمله آنها، عبارت بود از:

- رسیدگی به دعاوی مربوط به جنایت و جنحه و قباحت از سوی اتباع دو کشور بر اساس قوانین کشور مقیم؛
- لزوم حضور نماینده سفارت و کارپردازی در دعاوی مربوط به تجارت و حقوق و اجرای حکم با اطلاع و توسط آنها؛
- شمول شرایط دول کامله الوداد بر مأموران سیاسی دو کشور؛
- معافیت اتباع دو کشور از خدمات نظامی در کشور مقابل؛
- رسیدگی به دعاوی میان اتباع یک کشور در



کشور مقابل توسط مأموران سفارت و بر اساس قوانین کشور تابع؛

- شمول قوانین مربوط به ترک تابعیت و دخول در تابعیت کشور ثانوی بر اساس شرایط دول کامله‌الوداد؛

- برخورداری اتباع دو کشور از شرایط و امتیازات دول کامله‌الوداد در موضوعاتی که در این عهدنامه پیش بینی نشده است.<sup>۳۴</sup>

ملاحظه مفاد عهد نامه، نشان می‌دهد که شرایط مندرج در آن، تقریباً شباهت زیادی به عهد نامه‌های منعقد شده میان ایران با سایر کشورها دارد که بتدریج در همان سالها بسته شده و پیش از این به تعدادی از آنها اشاره گردید. با این تفاوت که برخی از آنها از جمله روسیه و انگلستان برای شهروندان عادی کشور خود، همان امتیازات مأموران سیاسی را تحصیل کرد. به هر حال این عهدنامه و برخی تفاهم نامه‌ها - که پس از این بسته شد - گرچه اندکی از مشکلات اتباع دو کشور بویژه ایرانیان را کاست که در قیاس نسبت به اتباع عثمانی، حضور بیش تری در آن کشور داشتند، اما رافع همه مشکلات نبود؛ بویژه آنکه بررسی اسناد به جا مانده، نشانگر شکایتهای فراوانی از تعدی به اتباع ایرانی در عثمانی و یا اعتراض سفارت آن کشور در تهران در مسائل مربوط به اتباع خود در ایران است که برای نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

- گزارش سفارت ایران در اسلامبول در شانزدهم شعبان ۱۲۸۶ ق.م/ بیست و یکم نوامبر ۱۸۶۹ م.، حاکی است که: «اعلان قانون نامه عثمانی در مورد تذکره و اتباع سایر کشورها، [به دلیل اینکه] دولتین فرانسه و انگلیس در چنین مواردی تقویت و تمکین دولت عثمانی را می‌نمایند؛ زیرا که از قوت و اقتدار خودشان مطمئن و خاطر جمع هستند که به تبعه آنها خلاف

قاعده نمی‌توانند کرد و در ظهور خلاف قاعده و اجحافی بزرگ، به تغییر هر قاعده و قانون در خاک عثمانی مقتدر و مسلط می‌باشند؛ ولیکن برای تبعه دولت ابدمدت، به جهات عدیده، خسارت و ضرر دارد.» بنابراین سفارتخانه، خواهان اقدام و اعتراض وزارت خارجه در این زمینه شد؛ چرا که در این دوره، ایرانیان مقیم عثمانی، فاقد گذرنامه رسمی ایرانی بودند تا بیانگر تابعیت آنها باشد.<sup>۳۵</sup>

- گزارش سفارت ایران در اسلامبول (۲۰ شوال ۱۲۸۶ ق. / ۲۳ ژانویه ۱۸۷۰ م. / ۳ بهمن ۱۲۴۸ ش.)، از حبس و آزار و اذیت اتباع ایرانی در عثمانی و ناتوانی سفارت در جلوگیری از آن.<sup>۳۶</sup>

- قرارنامه منع ازدواج اتباع ذکور ایرانی با دختران تبعه عثمانی و تابعیت فرزندان متولد شده از مادر (۸ ذیحجه ۱۲۹۰ ق. / ۲۷ ژانویه ۱۸۷۴ م. / ۷ بهمن ۱۲۵۲ ش.) و اعتراض مکرر دولت ایران.<sup>۳۷</sup>

- گزارش سفارت ایران در اسلامبول از اعطای تابعیت دولت عثمانی به تعدادی از ایرانیان تحت تعقیب (۱۳۰۰ ق. / ۱۸۸۳ م. / ۱۲۶۲ ش.).<sup>۳۸</sup>

- نامه سفارت عثمانی در تهران به وزارت امور خارجه و اعتراض به دستگیری فرزند نظام الدوله و ادعای داشتن تابعیت عثمانی و درخواست رسیدگی به شکایت مطروحه در سفارت آن کشور (۶ ربیع الاول ۱۳۰۴ ق. / ۳ دسامبر ۱۸۸۶ م. / ۱۲ آذر ۱۲۶۵ ش.).<sup>۳۹</sup>

- دستورالعمل وزارت امور خارجه به سفارت و کاربردازیهای ایران در عثمانی درباره وظایف آنها در قبال اتباع ایرانی و نیز دستور تشکیل مجلس محاکمه در آن مراکز برای رسیدگی به دعاوی اتباع ایرانی (۱۳۰۹ ق. / ۱۸۹۱ م. / ۱۲۷۰ ش.).<sup>۴۰</sup>

- گزارش کاربرداز ایران در سلیمانیه درباره کسب تابعیت تعدادی از اکراد ایرانی از عثمانی و ایجاد

مشکلاتی در مسائل سرحدی به دست آنها.<sup>۴۱</sup>

- گزارش سفارت ایران در اسلامبول از فشار دولت عثمانی برای دریافت «رسومات» از اتباع ایرانی همانند اتباع رومانی، یونان، بلغارستان و قراداغ (۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۲ق. / ۲۱ فوریه ۱۹۱۴م. / ۲ اسفند ۱۲۹۲ ش.)<sup>۴۲</sup>

- اعتراض سفارت عثمانی در تهران به دخالت روسها در امور اتباع آن کشور در گیلان (۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق. / ۱۴ مه ۱۹۱۵م. / ۲۲ اسفند ۱۲۹۳ ش.)<sup>۴۳</sup>

با وجود مشکلاتی که به تعدادی از آنها اشاره شد، اعتبار قراردادهای فوق تا شروع جنگ جهانی اول حفظ شد و در مسائل مربوط به برقراری مشروطه در ایران و سپس عثمانی، ابتدا فرصتی برای پرداختن به موضوع کاپیتولاسیون در روابط دو کشور پیدا نشد، تا اینکه شروع جنگ جهانی اول و قرار گرفتن عثمانی در جبهه متحدین و اتفاقات داخلی آن کشور، منجر به تجدید نظر در قضیه کاپیتولاسیون و اعلان لغو آن از سوی دولت عثمانی گردید. کنسولگری ایران در اسلامبول، در ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ق. / ۳۱ آوریل ۱۹۱۵م. / ۱۰ فروردین ۱۲۹۴ ش. به نقل از روزنامه صبح (۲ مارس ۱۹۱۵ / ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق. / ۱۰ اسفند ۱۲۹۳ ش.) عثمانی گزارش داد که: «مجلس شورای ملی آن کشور، تصمیم به الغای کاپیتولاسیون گرفته و اعلام نمود که عموم اتباع خارجه مقیمین خاک عثمانی، اگر از مأموران جزو شکایت داشته باشند، باید بلاواسطه به مقام عائده دولت عثمانی رجوع نمایند.»<sup>۴۴</sup> و به استناد آن، از حضور و دخالت مأموران سیاسی ایران (ترجمانها و کارپردازان) در محاکمات مربوط به اتباع ایرانی جلوگیری نمود.

الغای یکطرفه کاپیتولاسیون از سوی دولت عثمانی، با وجود اعتراض دول اروپائی - حتی دولت آلمان که متحد آن کشور در جنگ بود - ادامه یافت و

پس از آن، برخی دول که دارای کنسولگری در اسلامبول بودند، «موقتاً محکمه [که وظیفه آن رسیدگی به امور اتباع کشور متبوعه بود] جنرال قونسولگری خودشان را تعطیل نمودند.»<sup>۴۵</sup> اما کنسولگری ایران در اسلامبول، کمافی السابق به فعالیت خود ادامه داد و «به تمام دعاوی فی مابین اتباع دولت علیه در محکمه جنرال قونسولگری ... رسیدگی [می کرد] و ... ولی به دلیل ملاحظه «موراتوریوم»،<sup>۴۶</sup> کلیتاً رجوعات مردم از قبیل دعوای تجارتنی و سند و ...»<sup>۴۷</sup> کاهش پیدا کرد و به موازات آن، مأموران دولت عثمانی، با اتباع خارجه، با خشونت برخورد و از تجارتخانه‌های آنها، «مال التجاره را از قبیل انواع ارزاق و ... به بهانه اینکه برای اردو لازم است، بدون ادای وجه قیمت آن جبراً گرفته و در مقابل، قبض می دهند و خدا می داند که بدل قبوضات را کی تأدیه خواهند نمود و علاوه بر آن با مأموران دول خارجه، با نهایت بی اعتنائی و بدرفتاری حرکت می کنند.»<sup>۴۸</sup>

به دنبال الغای کاپیتولاسیون از سوی دولت عثمانی و حوادث دیگر از جمله نتایج حاصله از پایان جنگ جهانی اول و از هم پاشیدگی روابط و تعادل قدرتها، تأسیس جامعه ملل و میثاق آن درباره شناخت حق حاکمیت برابر و یکسان برای همه ملتها،<sup>۴۹</sup> و نیز انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی که منجر به ابطال عهدنامه ترکمنچای از سوی رهبران جدید این کشور گردید،<sup>۵۰</sup> در محافل دولتی ایران این فکر پیدا شد که امتیازات ناشی از کاپیتولاسیون و در صورت لزوم معاهدات حاوی این شرط، به صورت یکجانبه باطل اعلام شود. براین اساس در ۳۰ ژوئیه ۱۹۱۸ م. / ۲۱ شوال ۱۳۳۶ ق. / ۷ مرداد ۱۲۹۷ ش.، کابینه نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری، الغای کاپیتولاسیون را تصویب و طی بخشنامه‌ای از طریق

وزارت امور خارجه به دول برخوردار از آن ابلاغ شد.<sup>۵۱</sup> در پاسخ این تصمیم، دولت عثمانی در نامه‌ای به سفارت ایران در اسلامبول نوشت:

«اشعار سفارت پناهی که از طرف حکومت متبوعه خودتان در باب الغا و اسقاط از درجه اعتبار تمام عهود و مقررات که مغایر استقلال سیاسی و اقتصادی بود، با کمال ممنوعیت تلقی شد و... در موقعی که با دول مخاصمه، معاهده صلح منعقد خواهد شد، مستغنی از بیان است که حکومت سنی، قبولاندن این اساس را به دول مذکوره هم خواهشگر می‌باشد، بنابراین اثر خیرخواهانه که تا حال به ایران ابراز شده و اهمیت تبعه و تجارت عثمانی که در ایران است، حکومت سنی می‌خواهد که دولت علیه ایران، اهتمام خواهد نمود که قرار متخذة سالف‌الذکر حکومت ایران، منافع عثمانی را به هیچ وجه خلل دار نکرده، بنابراین چنانچه از قدیم جاری است، تبعه و منافع عثمانی، تابع معامله مانند آلمان و اطریش، مجار و... مضایقه نشود.»<sup>۵۲</sup>

همان طور که از محتوای نامه برمی‌آید، دولت عثمانی ضمن ابراز خوشحالی از اقدام دولت ایران، خواستار می‌شود که لغو کاپیتولاسیون مشمول منافع و اتباع آن کشور نگردد. اما با این وجود، به مجرد وصول ابلاغیه وزارت خارجه ایران به کارگزاریه‌های آن در داخل کشور، امور اتباع عثمانی به «عدلیه مراجعه»<sup>۵۳</sup> داده شد که این مسئله، نارضایتی و اعتراض دولت عثمانی را در پی داشت و لذا خواهان بازگشت به وضعیت سابق شد و ضمن آن، آمادگی خود را برای مذاکره و عقد معاهده «تجاری و سیر سفائن»<sup>۵۴</sup> اعلام داشتند. جالب اینکه سفیر ایران در عثمانی، میرزا محمود خان احتشام السلطنه از جمله مخالفان الغای کاپیتولاسیون میان دو کشور بوده است. او در گزارشی از اسلامبول در ۶ جمادی الثانی ۱۳۳۷ق. / ۹ مارس

۱۹۱۹م. / ۱۷ اسفند ۱۲۹۷ ش. به وزارت امور خارجه نوشته است:

«... بعد از متارکه، دول ائتلاف، اقدام عثمانیها را در مسئله الغای کاپیتولاسیون کان لم یکن فرض کرده‌اند و چون در ممالک ایران، اتباع دولت عثمانی و منافع آنها معدود است، الغای کاپیتولاسیون در صورت قبول اثراتی نخواهد کرد؛ ولی بالعکس در ممالک عثمانی - که دولت علیه چندین هزار نفر تبعه و منافع کثیری دارد - دور نیست سکنه بزرگی به منافع و عایدات وارد شود. در این صورت البته اولیای دولت و وزارت جلیله، علاج این مسئله را در نظر خواهند گرفت و از حالا پیش‌بینی این امر و جلوگیری آن تدابیری اتخاذ خواهند فرمود... درخصوص الغای کاپیتولاسیون نسبت به عثمانیها با حال حاضر ابدأ اشکالاتی در کار نیست و منافع آنها بعدها در ایران به قدری قلیل خواهد بود که دور نیست باب عالی هم قبول نماید. ولی دو مسئله را باید در نظر گرفت، اولاً اینکه سایر دول قبول خواهند کرد یا خیر؟ ثانیاً در صورت قبول عدلیه، ایران حاضر برای اینکار شده و می‌تواند طرف اعتماد دول باشد یا خیر...»<sup>۵۵</sup>

به هر ترتیب، مشکلاتی که در زمینه مسائل داخلی دو کشور بروز کرد، در نهایت به فروپاشی عثمانی و تشکیل جمهوری ترکیه و نیز کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ش. / ۲۲ فوریه ۱۹۲۱م. در ایران و افزایش تدریجی قدرت رضاخان منجر شد. مسئله کاپیتولاسیون تا سه، چهار سال مسکوت ماند و مجدداً در سالهای ۱۳۰۱-۱۳۰۲ش. / ۱۹۲۲-۱۹۲۳م. مکاتبات طرفین در این باره تجدید شد. این موقع، درست زمانی بود که طرفداران مصطفی کمال آتا ترک، ضمن موفقیت در بیرون راندن یونانیها و استیلا بر امور، عهدنامه لوزان<sup>۵۶</sup> را با دول پیروز در جنگ جهانی اول به امضا رساندند و

ضمن امتیازات مختلف، لغو کاپیتولاسیون را در مفاد عهدنامه گنجانند و شرایط لغو رسمی آن را فراهم ساختند و در کنار آن ترکیه، کلیه عهدنامه‌های منعقد شده با سایر کشورها را در دوره عثمانی لغو کرد و خواهان مذاکره برای قراردادهای جدید گردید. به موازات این تحول، اولین اقدام آنها، مذاکره با روسها و امضای «عهدنامه مودت و تأمینیه»<sup>۵۷</sup> با آن کشور بود.

اما در ایران، اعلام الغای کاپیتولاسیون در کابینه مصمصام السلطنه، مورد پذیرش کشورهای ذینفع قرار نگرفت. همچنین هیئتی که در زمان کابینه وثوق‌الدوله برای شرکت در کنفرانس صلح ورسای اعزام گردید، در پیامی به دول شرکت کننده، تقاضای لغو معاهدات کاپیتولاسیون را کرد. همچنین در داخل کشور نیز تصمیم گرفته شد تا لغو کاپیتولاسیون، از درج شرط دول کامله‌الوداد در قراردادهای خودداری و نیز در برخی از معاهدات از جمله عهدنامه مودت با چین (۱۹۲۰م. / ۱۳۳۸ق. / ۱۲۹۸ ش.) و افغانستان (۱۹۲۱م. / ۱۳۰۱ش.)، نظام کاپیتولاسیون مردود واقع شد و اصل «عمل متقابل»<sup>۵۸</sup> ملاک عمل قرار گرفت.

بررسی اسناد وزارت امور خارجه درباره چگونگی روابط ایران و ترکیه تازه تشکیل یافته بویژه در زمینه کاپیتولاسیون، نشان می‌دهد که پس از عهدنامه لوزان، جای تردید نبود که «مناسبات عدیده موجوده فیما بین دولتین ایران و ترک و منافع مشترک که به واسطه همجواری و سایر مناسبات در بین است، ایجاب می‌نمود که این دو دولت روابط خود را بر اصول جدیدی برقرار کرده و تجدید نظری در عهد سابق نمایند.»<sup>۵۹</sup> از سوی دیگر، دولت ترکیه پذیرش سفرای کشورها را منوط به امضای قرارداد دوستی، کنسولی و تجاری کرده بود.<sup>۶۰</sup> به موازات آن، در جوزای ۱۳۰۳ش. / مه ۱۹۲۴م. دولت ترکیه در نامه‌ای به وزارت

امور خارجه ایران رسماً اطلاع داد که «نظر به الغای عهد سابقه در کنفرانس لوزان و تغییر رژیم، دولت ترکیه عهدنامه ارض روم [ارزنه‌الروم] و قراردنامه ۱۲۹۲ [ق. / ۱۸۷۵م. که براساس شرایط دول کامله‌الوداد تنظیم شده و روابط کنسولی میان آنها را بنیان نهاده بود] و سایر عهد را با ایران ملغاً»<sup>۶۱</sup> اعلام کرد. اما در مقابل، دست اندرکاران سیاست خارجی ایران، به درخواست ترکیه پاسخ مثبت ندادند و به استناد اینکه ایران در معاهده لوزان حضور نداشته و آن را امضا نکرده است و از سوی دیگر تغییر رژیم دلیلی بر بی اثر شدن تعهدات بین‌المللی کشورها نمی‌تواند باشد، خواهان ادامه وضعیت سابق در روابط و معاهدات دو کشور شدند.<sup>۶۲</sup> با وجود مخالفت اولیه ایران و پس از مدتی، اداره دوم وزارت امور خارجه، با استناد به اینکه «قضایای موجود بین دولتین ایران و ترکیه، در یک حال بلا تکلیفی افتاده و در نتیجه خسارت مادی و معنوی متوجه دولت و اتباع ایران می‌شود»،<sup>۶۳</sup> پیشنهاد کرد چنانچه پیش شرطهای زیر را ترکیه بپذیرند، برای عقد معاهدات جدید وارد مذاکره شوند.

- تا زمانی که عهدنامه جدید به امضا نرسیده است، عهد سابقه به قوت خود باقی بماند.

- قبلاً طرفین تعهد نمایند که در عهدنامه جدید، اساس روابط را بر معامله متقابل قرار خواهند داد.<sup>۶۴</sup>

پاسخ ترکیه در ابتدا بر این پایه استوار بود که چون بر طبق عهدنامه لوزان، کاپیتولاسیون را درباره همه کشورها لغو کرده است، بالطبع ایران را نیز شامل می‌شود؛ ولی از آنجا که الغای کاپیتولاسیون در ایران عمومی نبوده است، در این صورت دولت ترکیه هم باید از آن برخوردار شود. اما با توجه به مسائل دیگری که بویژه در زمینه مرزها و تأمین امنیت آنها و ضرورت هماهنگی دو کشور پیش آمد و نیز پیگیری سفارت

ایران در آنکارا، بالأخره دولت ترکیه پذیرفت که اساس مذاکرات بر طبق اصول معامله متقابل و مساوی تنظیم گردد.<sup>۶۵</sup> پذیرش این شرط از سوی ترکها، موجبات شروع مذاکرات رسمی سفیر ترکیه در تهران با محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر وقت ایران گردید و در نهایت منجر به امضای «عهدنامه ودادیه و تأمینیه» در اول اردیبهشت ۱۳۰۵ ش. برابر با ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ م. گردید. در گزارشی که فروغی درباره مذاکرات منتهی به عهدنامه به مجلس شورای ملی داد و نیز در مقدمه قرارداد و ماده هفتم آن و بعلاوه صورت جلسه‌ای که در زمان امضای عهدنامه تنظیم گردیده است، لغو رسمی کاپیتولاسیون اعلام و مقرر گردید، «روابط دولتی با عقد قراردادهای لازمه، مبتنی بر اساس دولتی و مساوی الحقوق» باشد. به این ترتیب، اساس کاپیتولاسیون در روابط دو کشور، حتی قبل از لغو رسمی آن برای سایر کشورها، اتفاق افتاد.<sup>۶۶</sup>

پس از عهد نامه فوق الذکر، همان طور که در ماده هفتم آن پیش بینی گردیده بود، مذاکرات دو کشور ادامه یافت و در نهایت منجر به معاهده کنسولی جدیدی در ۱۴ ماده شد (۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶ م.) که در آن، شرایط جدید حضور مأموران سیاسی، تابعیت افراد و چگونگی محاکمه شهروندان دو کشور براساس اصل معامله متقابل، پیش‌بینی گردیده است.<sup>۶۷</sup>

نتیجه اینکه، بررسی چگونگی شروع، استفاده و الغای کاپیتولاسیون و شرط دول کامله‌الوداد در روابط دو کشور، نشان می‌دهد که فضای حاکم در این زمینه، بویژه از زمان عهدنامه‌های اول و دوم ارزنة‌الروم (۱۲۳۸/۱۸۲۳ و ۱۲۶۳ ق. / ۱۸۴۷ م.)، مبتنی بر اصول «معامله متقابل» بوده است. اما بتدریج و تحت تأثیر امتیازاتی که هر دو کشور در عهدنامه‌های مختلف به سایر کشورها، بخصوص دولتهای مسیحی، با عنوان

شرایط دول کامله‌الوداد و کاپیتولاسیون واگذار کردند، در تنظیم عهدنامه‌های فیما بین، برخی امتیازات مربوط به کاپیتولاسیون و نیز رعایت شرایط دول کامله‌الوداد مورد تأکید قرار گرفت و از سوی طرفین پذیرفته شد که مهم‌ترین آنها، قراردادهای ۱۲۹۰ ق. / ۱۸۷۳ م. و ۱۲۹۲ ق. / ۱۸۷۵ م. بوده است. با این تفاوت که اولاً، برخورداری از این امتیاز، برخلاف موارد مشابه، برای دو کشور به صورت مساوی پیش‌بینی شده بود، و ثانیاً به آن شدتی که در قراردادهایی از این دست، اتباع برخی از کشورها از مصونیت کامل قضائی برخوردار شدند، در میان دو کشور فقط به مأموران سیاسی محدود شد و برای اتباع عادی، حضور نماینده سفارت و یا کنسولگری در دادگاه و هنگام ابلاغ و یا اجرای احکام صادره، پیش‌بینی گردید و سرانجام اینکه، برقراری این شرایط در روابط دو کشور، زمانی اتفاق افتاد که امپراتوری عثمانی در دوره ضعف و انحطاط خود قرار داشت. به این جهت و از آنجا که به نسبت تعداد اتباع آن کشور، تعداد بیش‌تری از ایرانیان به دلایلی از جمله زیارت، تجارت و مسافرت به اروپا در عثمانی حضور داشته‌اند. بنابراین بر خلاف وضعیت ناگواری که کشورهایی مانند روسیه و انگلستان با برخورداری از این امتیازات در ایران و تعرض به استقلال و حاکمیت ملی کشور ایجاد کردند، شاید بتوان گفت، ایرانیان از این امتیاز، بیش‌تر از عثمانی بهره برده باشند. موضوعی که احتشام‌السلطنه سفیر وقت ایران در عثمانی در سال ۱۳۳۷ ق. / ۱۹۱۹ م. / ۱۲۹۷ ش. به وزارت امور خارجه گزارش داد. به هر حال با همه فراز و فرودها، شمول شرایط فوق در روابط دو کشور، پنجاه و اندی سال (۱۲۹۰-۱۳۴۵ ق. / ۱۸۷۳-۱۹۲۷ م. / ۱۲۵۲-۱۳۰۵ ش.) طول کشید و دو کشور در شرایط جدیدی که ناشی از وضعیت ایجاد شده پس از

جنبشهای مشروطه‌خواهی، جنگ جهانی اول و رشد روحیه مبارزه با نمادهای نظامها و قدرتهای سلطه‌گر و تأسیس حکومت‌هایی با نگرشی متفاوت با گذشته بود، موافقت کردند تا به وضعیت «معامله متقابل»، یکصد و اندی سال پیش (عهدنامه‌ ارزنة الروم، ۱۲۳۸ق. / ۱۸۲۳م. / ۱۲۰۱ ش.)، بازگشت نمایند.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



۱۶- واژه کاپیتولاسیون، از کلمه لاتین capitulare یا کلمه ایتالیایی capitulazione مشتق شده و به معنی انعقاد عهدنامه و قرارداد و یا خود عهدنامه آمده است. بعضی از نویسندگان، معتقدند که در زمان انعقاد اولین معاهده بین اعراب و مسیحیان مقیم شامات، زبان نیمی از مردم این منطقه ایتالیایی بوده و این کلمه، به معنی معاهده بین مسیحیان و غیر مسیحیان به جا مانده است. برخی از اروپائیان، حتی آن را ترجمه کلمه عربی «صلح موقت» دانسته‌اند و چنین اظهار کرده‌اند که چون مسلمانان معتقدند که بین کفار و مسلمین هیچ موقع صلح دائمی نباید وجود داشته باشد، به همین جهت به طور موقت، صلح بین آنها برقرار می‌شود. (بنگرید به: *لغتنامه دهخدا*، زیر عنوان کاپیتولاسیون)

۱۷- مسعود اسداللهی، *احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن*

(تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳)، ص ۲۴.

۱۸- غلامرضا علی بابائی، *فرهنگ علوم سیاسی*، (تهران:

ویس، ۱۳۶۶)، ج ۱، صص ۵۹۵-۵۹۶.

۱۹- The most favoured Nation clause یا شرط دول

کامله‌الوداد، شرطی است که معمولاً در عهدود تجاری قید

گردیده و به موجب آن هر یک از دول امضا کننده

عهدنامه از تخفیفات گمرکی، یا امتیازات تجاری که

بعدها ممکن است به دولت دیگر داده شود، بهره‌مند

می‌گردد، و هرگاه چنین شرطی در عهدود تجاری قید

نگردد، ممکن است در نتیجه امتیازات و تسهیلاتی که به

یک دولت رقیب داده می‌شود، منافع اقتصادی

امضاکنندگان عهدنامه، بکلی مختل و منظوری که از

امضای عهدنامه در نظر بوده است، حاصل نشود و تولید

خسارتی هم برای امضاکنندگان بنماید. استفاده از شرط

کامله‌الوداد در روابط کشورها، تابع توانائی و امکانات

کشورها بوده است. زیرا وقتی که از لحاظ وضعیت

۱- سیدحسن تقی زاده، «روابط ایران و ترکیه»، *یغما*، سال نهم، (۱۳۳۵)، شماره دوم، صص ۵۰-۵۱.

۲- غلامرضا علی بابائی، *سیاست خارجی ایران* (تهران: دارسا، ۱۳۷۵)، ص ۳۷۰.

۳- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹)، ص ۹.

۴- تقی‌زاده، *پیشین*، ص ۵۲.

۵- مراجعه به اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و نیز سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، گویای روشنی از جهت گیری اختلافات و مسائل مطروحه در روابط دو کشور در این دوره می‌باشد.

۶- اسناد وزارت امور خارجه، بخشهای مربوط به حج، عتبات و مسائل سرحدی.

۷- رحیم رئیس نیا، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم* (تبریز: ستوده، ۱۳۷۴)، صص ۵۹۹-۶۲۳.

۸- تقی‌زاده، *پیشین*، ص ۵۲.

۹- وزارت امور خارجه. *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی*، (تهران: ۱۳۷۵)، ج ۱، ص ۱۶.

۱۰- رئیس نیا، *پیشین*، ص ۱۲۲.

۱۱- احمد نقیب‌زاده، «مطالعه تطبیقی روند توسعه سیاسی ایران و ترکیه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هجدهم (بهار ۱۳۸۳)، ش ۱، ص ۴۲.

۱۲- تقی‌زاده، *پیشین*، ص ۵۳.

۱۳- این روزنامه بیش از ۲۰ سال (۱۸۷۵-۱۸۹۶ م. ۱۲۹۲-۱۳۱۴ ق. / ۱۲۵۳-۱۲۷۴ ش.)، به صورت هفتگی-جز ایامی که توقیف می‌شده است- و در ۸ صفحه انتشار می‌یافت.

۱۴- تقی‌زاده، *همان*، ص ۵۲.

۱۵- اسناد وزارت امور خارجه. پرونده شماره ۱۳۳۷/۶۶/۱۶ ق.

- ۳۵ - وزارت امور خارجه، *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی* (تهران: ۱۳۷۵)، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۳۶ - همان، صص ۲۴۵-۲۴۷.
- ۳۷ - همان، صص ۲۴۹-۲۵۲ و ۲۶۸.
- ۳۸ - همان، ص ۲۶۱.
- ۳۹ - همان، ص ۲۷۰.
- ۴۰ - همان، صص ۲۸۹-۲۹۱.
- ۴۱ - همان، ج ۵، ص ۴۸۶.
- ۴۲ - همان، ج ۷، ص ۵۵۳.
- ۴۳ - همان، صص ۶۲۴-۶۲۵.
- ۴۴ - اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۱۳۳۳/۱۲/۳۱ ق.
- ۴۵ - همان.
- ۴۶ - *Moratorium* با معانی دارای مهلت، یا مهلت دهنده، استمهال و استملاک.
- ۴۷ - اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۱۳۳۳/۱۲/۳۱ ق.
- ۴۸ - همان.
- ۴۹ - وزیر، پیشین، صص ۲۵-۲۶.
- ۵۰ - اعلام ابطال عهد نامه ترکمنچای توسط رهبران شوروی، به صورت رسمی در یادداشت‌های مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ م. / ۱ ربیع الثاني ۱۳۳۶ ق. / ۲۴ دی ۱۲۹۶ ش. و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ م. / ۲۷ رمضان ۱۳۳۷ ق. / ۴ تیر ۱۲۹۸ ش. آن کشور تأیید شد. و در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. / ۷ اسفند ۱۲۹۹ ش.، عهدنامه جدیدی بین دو دولت به امضا رسید که در مواد ۱ و ۱۶ آن، الغای کاپیتولاسیون و تعمیم مقررات و قوانین دادرسی ایران به اتباع شوروی تصریح شده است. (بنگرید به: سعید وزیری، پیشین، ص ۲۶)
- ۵۱ - اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۱۳۴۱/۱۵/۲۳/۱ ق.
- ۵۲ - همان، پرونده شماره ۱۳۳۶/۶۶/۱۶ ق.
- اقتصادی تشابهی نباشد، کشور قدرتمندتر، از اعمال این شرط، بهره بیش تری می‌برد و برای کشور ضعیف، استفاده از آن جز در موارد معدودی امکانپذیر نیست. به همین جهت در گذشته، اصل کامله‌الوداد را قدرتهای برتر به کشورهای ضعیف تحمیل می‌کردند، مانند قرارداد ترکمنچای که بین ایران و روسیه بسته شد. (بنگرید به: غلامرضا علی بابائی. *فرهنگ علوم سیاسی*، چاپ دوم (تهران: ویس، ۱۳۶۹)، ج ۱، صص ۶۱۱-۶۱۳؛ و نیز *لغتنامه دهخدا*، زیر عنوان کامله‌الوداد).
- ۲۰ - اسداللهی، پیشین، ص ۲۵.
- ۲۱ - علی اکبر دهخدا، *لغتنامه*، زیر عنوان کاپیتولاسیون.
- ۲۲ - سعید وزیری، *نظام کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران* (تهران: وزارت امور خارجه، بی تا)، صص ۵-۸.
- ۲۳ - همان.
- ۲۴ - سید جلال‌الدین مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران* (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱)، ج ۱، ص ۴۰.
- ۲۵ - دهخدا، پیشین.
- ۲۶ - همان.
- ۲۷ - وزیر، پیشین، صص ۱۳-۱۷.
- ۲۸ - دهخدا، پیشین.
- ۲۹ - غلامرضا طباطبائی مجد، *معاهدات و قراردادهای تاریخی ایران در دوره قاجاریه* (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۳)، ص ۱۱۲.
- ۳۰ - همان، ص ۱۲۰.
- ۳۱ - کسی که وکالت سیاسی دولت خود را در ممالک دیگر عهده‌دار بوده است. عناوین مشابه آن قونسول، کنسول، کارگزار و شهیندر است.
- ۳۲ - طباطبائی مجد، پیشین، صص ۱۹۷-۱۹۸.
- ۳۳ - همان، صص ۳۸۷-۳۹۸.
- ۳۴ - همان، صص ۳۸۹-۳۹۲.



۵۳ - همان.

۵۴ - همان، پرونده شماره ۱۳۳۷/۳۹ق.

۵۵ - همان، پرونده شماره ۱۳۳۷/۶۶/۱۶ق.

۵۶ - این معاهده، در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳م. / ۱ مرداد ۱۳۰۲ش.

بسته شد و اهمیت آن برای ترکها، واقعیت بین المللی

یافتن کشوری به نام ترکیه و استقرار حاکمیت کامل و

تقسیم ناپذیر ترک، بر سراسر سرزمینی بود که جمهوری

امروزی ترکیه را تشکیل می دهد و در میثاق ملی ترک

پیش بینی گردیده بود. (بنگرید به: اسناد وزارت امور

خارجه، پرونده شماره ۱۳۳۹/۱۶/۱۷ق. و ۱۵ / ۵

۱۳۳۹ق.)

۵۷ - اسناد وزارت امور خارجه. پرونده شماره ۱۳۰۴/۴۴/۲۴.

۵۸ - وزیری، ص ۲۹.

۵۹ - اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۱۳۰۴/۴۴/۲۴

و ۱۳۰۴/۱۷/۱۷.

۶۰ - همان، پرونده شماره ۱۳۰۳/۴۲/۱۷.

۶۱ - همان، پرونده شماره ۱۳۰۴/۴۴/۲۴.

۶۲ - همان.

۶۳ - همان.

۶۴ - همان.

۶۵ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده شماره

۲۴۰۰۰۳۰۸۵ و نیز اسناد وزارت امور خارجه، پرونده

شماره ۱۳۰۸/۱۲/۱۰۵ (حاوی متن قرارداد و پیوستها).

۶۶ - توضیح اینکه در پنجم اردیبهشت ۱۳۰۵ش. / ۲۶ آوریل

۱۹۲۶م. طی فرمانی از سوی رضا شاه، لغو کاپیتولاسیون

در ایران اعلام گردید، اما برای اجرای عملی آن، به

دولتهای ذینفع یک سال مهلت داده شد تا نسبت به تنظیم

عهد نامه های جدید با ایران اقدام نمایند. (بنگرید به:

سعید وزیری، پیشین، صص ۳۶-۴۹)

۶۷ - اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۱۳۰۵/۴۴/۲۵.